

منابع:

- جونز استال، هنر خیابانی، ترجمه هزارخانی، سامان، فخرکیا، تهران ۱۳۸۹
- کوثری، مسعود، گرافیتی به منزله هنر اعتراض جامعه شناسی هنر و ادبیات، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹
- کوثری، مسعود، سازی نظریه برای موسیقی زیرزمینی ایران، مسعود کوثری، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۴ زمستان ۱۳۹۱
- طاهری، کیا، حامد و رضایی، محمد، گرافیتی ایرانی، مقاومت و خود-بیانگری از طریق دیوارهای شهری- مجله جامعه شناسی ایران دوره چهاردهم شماره ۱-بهار ۱۳۹۲
- هم هنرمند، هم خرابکار، روزنامه شهروند، بهمن ۱۳۹۲
- اسدی، مرتضی، هنر اعتراض، هنر انقلاب پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی، مجله هنرهای تجسمی
- ابراهیمی، قربانعلی، پهنوئی گدنه، عباس؛ بررسی جامعه شناختی گونه های هویتی در بین جوانان مطالعه موردی بابلسر مطالعات ملی : بهار ۱۳۷۸ - شماره ۳۳
- تاجیک، محمدرضا، غیریت، هویت و خشونت در پایان قرن بیستم، نمایه پژوهش - پاییز و زمستان ۱۳۸۱ - شماره ۲۳ و ۲۴
- سازمان ملی جوانان سند راهبردی اوقات فراغت جوانان ۱۳۸۳-مهندسین مشاور فرهاد
- قاسمی سیانی، علی اصغر، نقش جنبش جوانان در گذار به دموکراسی: تمهیدات نظری پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۸
- غفاری، مسعود، قاسمی، علی اصغر، خاستگاه جنبش جوانان در ایران پژوهش علوم سیاسی شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۸
- آقابخش، حبیب، رحمت آباد، الهام، سبک زندگی و هویتاجتماعی جوانان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲
- A Legal and Economic Analysis Graffiti اسکندری دورباطی زهرا - تحلیل قانونی و اقتصادی نقاشی های دیواری ۱۳۹۴
- <https://www.facebook.com/IranGraffiti>
- <https://www.facebook.com/GE021>

اکباتانی ها به دنبال حق به شهر: نگاهی به کنشگری شهری نوزاده در شهرک اکباتان

محمد ایران منش^۱، بهاره مختاری^۲

چکیده

حق به شهر مفهومی است که در مقابل دیدگاه شیء انگارانه نسبت به شهر و اتحاد دولت و سرمایه در زندگی شهری مطرح می شود. دیدگاهی که در مدیریت شهرهای ایران نیز وجود دارد و بر اساس آن شهر و منابع آن به منزله ابزاری برای درآمدزایی مورد استفاده قرار می گیرد. شهروندان به منظور احیای حق خود به شهر، با انتقاد از وضع موجود، دست به کنشگری مدنی می زنند. در شهرک اکباتان در پایتخت، اخیراً اقداماتی از سوی اهالی آغاز شده است که می توان آن را کنشگری مدنی در حوزه شهری به شمار آورد. در این مقاله با بهره بردن از روش مشاهده مشارکتی به واسطه حضور در این کنشگری ها، تلاش شده است تا آن را با توجه به ویژگی های ملازم کنشگری مدنی، توصیف کنیم.

کلید واژه ها

حق به شهر، کنشگری مدنی، ویژگی های کنشگری مدنی، شهرک اکباتان، مشاهده مشارکتی

۱ - کارشناس ارشد اقتصاد تحلیلی، دانشگاه کنت انگلستان، Miranmanesh76@gmail.com

۲ - کارشناس ارشد مدیریت شهری و دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، Bmokhtari@ut.ac.ir

مقدمه

حقوق شهروندی به مفهوم امروزش، ابتدا در نظریه حق به شهر (Right To City) هنری لُه‌فور (Henri Lefebvre) فرانسوی در ۱۹۶۸ مطرح می‌شود. بنا بر نظریه او، زندگی شهری اسیر دولت و سرمایه است، بطوریکه ارزش مبادله جای ارزش استفاده از زمین را گرفته است.

حق به شهر، حق به زندگی شهری و حقی جمعی است و مولفه‌های اساسی آن نیز عبارت‌اند از:

- مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی
- تضمین دسترسی شهروندان به برنامه‌ریزی طراحی و مدیریت شهری.
- هدایت متوازن و برابری طلبانه کاربری زمین برای دسترسی همگانی به مسکن، کار، بهداشت و آموزش، حمل و نقل عمومی و
- فضای عمومی، اوقات فراغت و زندگی طولانی.تضمین دسترسی شهروندان کم درآمد به مسکن مناسب و ساماندهی اسکان غیر رسمی.
- استفاده مشترک شهروندان از فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی در شهر. (اطهاری ۱۳۹۰).

بعد از او اندیشمندان چندی به تحلیل و بسط نظریه "حق به شهر" می‌پردازند که از جمله باید از دیوید هاروی (David Harvey) انگلیسی نام برد. او در کتاب «حق به شهر» که با همکاری مری فیلد نگاشته شد، از اتحاد شوم دولت و سرمایه سخن می‌راند و معتقد است که چون اساس نظام سرمایه‌داری بر انباشت ثروت و خلق بازارهایی برای گردش مالی و باز تولید هرچه بیشتر ثروت استوار است، شهرنشینی و مسکن نیز محملی برای تولید کالاهایی نه برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی مردم، که برای ایجاد ارزش اضافی و سودآوری می‌گردند. در چنین ساختاری، توسعه پایدار زیست محیطی و انسانی، جایی ندارد (رحیم خزایی ۱۳۹۱).

در دیدگاه شی‌ءوارگی شهر در فرهنگ بورژوازی، «شهر» نیز همچون سایر چیزها، تنها موقعیتی شی‌ءواره دارد و صرفاً به‌منزلهٔ فرصت و موقعیتی برای درآمد و سودهای فراوان دیده می‌شود؛ این فرهنگ چنان منزوی و بیگانه نسبت به جهان و موقعیت خویش است که طبع و سرشتی خودشیفته و در نتیجه اساساً ناسازگار با «مشارکت همگانی» دارد. و به همین دلیل است که تصور می‌کند باید بر همه چیز «مدیریت» کند، آنهم مدیریت از بالا! از این رو «مدیرانه» یعنی از راه برنامه‌ریزی و طراحیِ از بالا می‌خواهد، همه چیز را به زیر سلطه و نظارت خود درآورد، از جمله شهرها و مسائل آن را ...؛ این فرهنگ به موازات اینکه خود را صاحب و مالک شهرها می‌داند، به طرز مضحک و باور نکردنی تصور می‌کند که باید به جای سایر گروه‌های اجتماعی باز هم خود تصمیم‌گیری کند! یعنی بدون مشورت با کسانی که به اصطلاح می‌خواهد برایشان برنامه‌ریزی کند ... و از همه رقت‌انگیزتر اینکه تصور می‌کند با یک چنین دیدگاهی می‌تواند مسائل دردناک شهرها را درمان کند. غافل از آن که مشکلاتِ شهرها تنها زائیده‌ی یک چنین فرهنگ و دیدگاهی است (روحی ۱۳۹۲).

از همین روی، هاروی با تأکید بر مداخلهٔ فعال کنشگران زندگی شهری در امور مختلف، معتقد است که نوع شهری که می‌خواهیم بسازیم باید بازتاب آرزوها و نیازهای شهری ما باشد (رحیم خزایی ۱۳۹۱). در کلان شهرهای کشور ما بویژه پایتخت نیز این پیوند نامبارک دولت محلی و سرمایه، وضعیت نامناسبی را برای شهروندان رقم زده است. در شهرک اکباتان اما جمعی از اهالی این وضعیت را برنتابیده و اقداماتی را آغاز کرده‌اند که می‌تواند کنشگری مدنی شهری به شمار آید. این مقاله نگاهی به این تجربه

نوی کنشگری شهری، در بزرگ‌ترین شهرک کشور می‌اندازد. یافته‌های مورد اشاره، حاصل مشاهده مشارکتی دو تن از اعضای حامیان است که در جریان اقدامات انجام شده همراه با مشاهده، مشارکت فعال نیز داشته‌اند.

حق به شهر زیر لگدهای مدیریت شهری در شهرک اکباتان

تلقی شی‌ء وارگی شهر که پیش از این از آن سخن رفت، در اقدامات شهرداری در شهرک اکباتان نمود پر جلوه‌ی پیدا کرده است.

شهرداری طی سالیان دراز، در طرح اولیه ساخت این شهرک دخل و تصرف کرده است. دیوار شرقی شهرک از اوایل دهه ۱۳۶۰ با مجوز شهرداری و برغم مخالفت اهالی شهرک و هیات مدیره مرکزی وقت اکباتان تخریب شدند و واحدهایی تجاری بجای آن سر برآوردند که ترافیک شدیدی را به شهرک تحمیل کردند و از امنیت شهرک کاستند.اما شاید ناصواب‌ترین اقدام شهرداری در شهرک، عدم رعایت توافق منعقد شده در اسفند سال ۱۳۷۴ بین شهرداری منطقه ۵ و سازمان عمران و نوسازی اکباتان بود که بر اساس آن، اراضی مابین فاز ۱ و ۲ شهرک به مساحت حدود ۱۹ هکتار به شهرداری تحویل (و نه واگذار) شد. در مهم‌ترین ماده صورتجلسه این توافق به صراحت آمده بود که شهرداری می‌بایست در این اراضی، فضای سبز ایجاد کند. اما شهرداری در سال ۱۳۸۶ طی مصوبه کمیسیون ماده ۵، کاربری فضای سبز این زمین‌ها را تغییر داد. حدود ۴٫۵ هکتار از زمین‌های مورد اشاره برای ساخت مجتمع تجاری، فرهنگی، خدماتی و تفریحی، که امروزه بزرگ بازار تهران یا مگامال نام دارد، و نیز برای احداث یک فرهنگسرا، هتل، پمپ بنزین، کارواش، مسجد و همچنین حدود ۱۴٫۵ هکتار (۸۰٪ کل اراضی یاد شده) به بوستان اختصاص داده شد. هم اکنون ۷٫۷ هکتار از این زمین‌ها به فضای تجاری تبدیل شده و تا به حال از ساخت بوستان و فضای سبز نیز سر باز زده شده است. پس از اظهارات آقای سید جعفر تشکری هاشمی، معاون محترم حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در گفت‌وگو با ایسنا (۱۳۹۱/۲/۱۷) مبنی بر اینکه اساساً مگامال در آینده قطب گردشگری پایتخت خواهد شد، بیشتر روشن شد که پروژهٔ مگامال، عمدتاً جنبه تجاری و جذب منابع مالی برای شهرداری دارد تا جنبهٔ تأمین رفاه و آسایش اهالی شهری مسکونی!

همچنین شهرداری از سال ۹۱ بدون بررسی کارشناسی و مطالعات فنی لازم، با تخریب یکی دیگر از فضاهای سبز شهرک و قطع حدود ۲۰۰ اصله درخت، مبادرت به ساخت واحدهایی تجاری در بر میدان بسیج کرد که مبدأ ورود و خروجی شهرک است. این در حالی است که اکباتان پیش از این ساخت و سازها، در سه فاز خود، بازارچه‌هایی با واحدهای تجاری کافی داشته است.

تازه‌ترین اقدام شهرداری در شهرک که حق اهالی اکباتان به شهر را پایمال کرده، در ۸ مرداد ۹۳ صورت گرفت. افرادی شباهنگام اقدام به خاکبرداری و دیوارکشی در مقابل بلوک ۱۹ فاز ۲ شهرک نمودند. پس از چندی معلوم شد این زمین به استناد یک صورت‌جلسه موقت سراسر تناقض، از سوی شهرداری منطقه ۵ به منظور ساخت مسجد (که بعد نام دارالقرآن بر آن نهادند) به هیئتی مذهبی واگذار شده است. زمین مذکور بر اساس نقشه طرح تفصیلی شهر تهران و نقشهٔ ۲۰۰۰/۱ فضای سبز بشمار می‌آید. به علاوه مکان آن درست سر پیچ خیابان باریکی است و افزایش رفت و آمد در آن به واسطه ساخت سازه، احتمال تصادفات را بالا می‌برد. همچنین قطعه زمین یاد شده در حریم خطوط گاز و کابل‌های مخابرات قرار دارد و کانال های فاضلاب و آب باران و نیز کابل برق فشار قوی ۶۳ کیلو ولت از زیر آن می‌گذرند. این مسائل باعث می‌شوند که ساخت هرگونه سازه در آن خطرآفرین باشد.

این گونه اقدامات مدیریت شهری طی سالیان دراز در شهرک اکباتان که موبد نگاه از بالا به پایین و سودجویانه است، اهالی را به وارد شدن به میدان سوق داد تا در صدد احقاق حق خود به شهر و شهرکشان برآیند.

کنشگری خودجوش مردم چند قدم جلو تر از نهادهای مدیریتی شهرک اکباتان کلنگ احداث شهرک اکباتان در سال ۱۳۵۲ به زمین خورد. با وجود گذشت این زمان، هنوز این مجموعه با ۲۳۹.۸ هکتار مساحت، از جمله بزرگترین شهرک‌های خاورمیانه است (تارنمای هیات مدیره مرکزی اکباتان). اکباتان سالیان سال پیش از تشکیل شورایی‌ها، دارای هیئت مدیره برای اداره امور خود بوده است. این شهرک دارای هیئت مدیره بلوک‌ها و معمولاً نمایندگان هر ورودی است. هیئت مدیره بلوک‌ها هر ۲ سال یکبار از سوی ساکنان هر یک از ۳۳ بلوک انتخاب می‌شوند. نمایندگان هر ورودی که هر چند وقت یکبار از سوی ساکنان آن انتخاب می‌گردند و شورای ساکنان را تشکیل می‌دهند با هیئت مدیره هر بلوک تعامل دارند. در نهایت، هیئت مدیره مرکزی شهرک، هر دو سال یکبار از سوی هیئت مدیره های بلوک‌ها انتخاب می‌شود. نخستین هیئت مدیره مرکزی در سال ۱۳۶۳ تشکیل شد و تا کنون فعالیت دارد (تارنمای هیات مدیره مرکزی شهرک اکباتان). اما متأسفانه با طی ۳۱ سال از عمر هیئت مدیره مرکزی، کم کم عضویت افرادی در آن ثابت شده است، و پس از طی دوران اولیه خود، سال‌هاست در برابر تعرضات شهرداری و سایر سازمان‌ها به محیط زیست و حقوق مالکانه اهالی شهرک، واکنش فعالانه و موثری نشان نداده است. همچنانکه کنعان می‌گوید سطح دموکراسی در سازمان‌هایی که محله را نمایندگی می‌کنند قابل پرسش است و «قانون آهنین الیگارشی» در مورد آن‌ها مصداق دارد (Cnaan 1991, 614). طبق این قانون، کار پیچیده اداره سازمان، با انتقال قدرت از اعضای معمولی سازمان به گروهی کوچک از رهبران انجام می‌گیرد که به تدریج محافظه‌کارتر می‌شوند و حاضر نیستند دستاوردهای خود را به خطر اندازند و بدین ترتیب سازمان از یک ابزار به یک هدف تبدیل می‌شود. (Scott and Davis 2007, 61-62)

با تشکیل نهاد شورایی‌ها از سال ۱۳۷۸، شهرک اکباتان تاکنون دارای چهار دوره شورای محله متشکل از ۷ نفر نیز بوده است که از زمان شورایی سوم، برای چهار سال انتخاب گردیده‌اند. شهرداری به‌منظور سیطره بر این نهاد انتخابی، از سال ۸۸ یک هیئت امنای انتصابی ۶ نفره (نمایندگان مدارس، مساجد، بسیج، سمن‌ها، شهرداری و...) نیز برای آن تعیین کرده است؛ ضمن اینکه حق انتخاب مدیر سرای محله نیز با شهردار ناحیه و تأیید آن با شورایی است. برکنار از دو دوره اول که شوراییاران اکباتان تقریباً با ضوابط مقرر انتخاب شدند، بعلت اعتراضات و پایداری شورا یاری دوم اکباتان در برابر تعرضات شهرداری به محیط زیست شهرک و اجرای پروژه مگامال، شهرداری با دخالت آشکار در انتخابات سوم، عملاً موجب روی کار آمدن "شهرداری یاری" به جای "شورایی" شد.

به خاطر بروز آثار سوء تعرضات یادشده به شهرک و ضعف موجود در نهادهای مدیریتی شهرک در ساماندهی مسائل، از اوایل سال ۹۳ عده ای از اهالی به طور خودجوش با هدف پاسداری و ارتقای محیط‌زیست شهرک و جلوگیری از دست اندازی سازمان‌های مسئول به آن گرد هم آمدند و نام حامیان محیط‌زیست اکباتان را برای خود برگزیدند.

پشتوانه حامیان، یک سلسله فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی سال‌های پیش از این بود که بصورت تجاری انباشته، پایه‌های اعتمادسازی را که لازمه مشارکت جویی مردم است، بوجود آوردند: برگزاری چندین بازارچه نیکوکاری برای زلزله‌زدگان و زنان سرپرست خانوار، چندین نشست اهل فرهنگ و هنر اکباتان، ده‌ها نشست اجتماعی و فرهنگی، ده‌ها نشست کتابخوانی، چندین کارگاه رایگان آموزش هنرهای

تجسمی و غیره. شاید از همه این‌ها موثرتر، اعلام و اجرای برنامه جمع‌آوری کمک‌های انسان دوستانه، یک روز پس از رخداد زلزله قره داغ آذربایجان در ۲۱ مرداد ۹۱ بود که تا ماه‌ها ادامه یافت و سرانجام نیز یک بازارچه نیکوکاری دو روزه که در دیماه همان سال برگزار گردید. در این فعالیت‌های انسان دوستانه و تاثیرگذار که تا اسفند ۹۱ ادامه یافت، تقریباً از سراسر شهرک و از برخی مناطق تهران و حتی برخی شهرهای کشور، مشارکت جستند.

در ابتدا، مشارکت خواهی حامیان با نقاط ضعفی در میان اهالی بدین شرح مواجه بود: کمبود آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود، ناامیدی اکثریت نسبت به تأثیرگذاری اقدام در جهت تغییر وضع موجود، بی‌اعتمادی و بدبینی، ترس و محافظه‌کاری، گرایش به فردگرایی و انزواطلبی، ضعف اعتماد به نفس و خلاقیت، که در مجموع انفعال و ضعف مشارکت‌پذیری را بیمار می‌آورد. اما شکل گیری حامیان، بر بستری از فرصت‌های درونی و بیرون شهرک، امکان پذیر گردید. از جمله فرصت‌های درونی، وجود احساس تعلق و هویت محله ای در شهرک با توجه به ویژگی‌های متمایزکننده آن از سایر شهرک‌ها بود. وجود میزانی از سرمایه اجتماعی و اعتماد نسبی اهالی شهرک به پیشگامان این تشکل که ناشی از صداقت و راستگویی، از خودگذشتگی، مسئولیت پذیری، فعال بودن، سابقه فعالیت‌های غیرانتفاعی، پیشتازی در پذیرش ریسک‌های مالی و جانی آن‌ها بود نیز تأثیر قابل توجهی در تسریع روند کار داشت. همچنین وجود شبکه‌های اجتماعی در شهرک، از جمله کانون جوانان و کانون بانوان در شهرک، شورای فرهنگی در معدودی بلوک‌ها، چندین سمن اجتماعی، فرهنگی و ورزشی، انجمن‌های اولیاء و مربیان و حدود ۳۵ هیئت و برخی محافل مذهبی نیز کار را آسان‌تر می‌ساخت. معماری خاص شهرک نیز از یک سو برقراری ارتباطات رویاروی اهالی را در بلوک‌های کنار هم یا روبروی هم و در رهگذرهای دراز فراهم می‌آورد و از دیگر سو، بعلت محصور بودن نسبی شهرک، یکپارچگی و انسجام را میسر می‌ساخت.

فرصت‌های بیرونی نیز عبارت بودند از: بهبود فضای عمومی کشور و کاهش جوّ بشدت محدودکننده فعالیت‌های سمن‌ها، و ورود اعضای مسئولیت پذیر و دلسوزتر به شورای چهارم شهر تهران. افرادی که با نام حامیان گردهم آمدند خود نقاط قوتی نیز داشتند، از جمله وجود افرادی با رشته‌های تحصیلی متفاوت، داشتن سوابق کار گروهی و نیز فعالیت‌های غیر انتفاعی، داشتن اوقات فراغت نسبی (بخاطر حضور بازنشستگان و زنان خانه دار).

بدین ترتیب حامیان قدم در عرصه کنشگری مدنی در حوزه شهری و در راستای احیای حق اکباتانی‌ها به شهر گذاشت.

به گفته حسام مقدم (۱۳۹۴) کنشگر مدنی سه ویژگی عمده دارد که حامیان تلاش کرده است در فعالیت‌های خود آن‌ها را مد نظر قرار دهد:

- کنشگر مدنی همان کنشگر عقلانی است. اگر یک کنشگر اقتصادی انتخاب‌ها و گزینش‌هایی عقلانی انجام می‌دهد تا سرمایه‌ای مادی کسب کند، کنشگر مدنی هم باید کسی باشد که به جای این که سرمایه مادی تولید بکند، بتواند با گزینش‌های عقلانی‌اش، سرمایه نمادین اجتماعی و فرهنگی بیافریند و تولید کند.
- کنشگر مدنی همان کنشگر اخلاقی است. کنشگر مدنی باید یک کنشگر اخلاقی باشد؛ یعنی باید به اخلاق اجتماعی، اخلاقی که در سطح جامعه فراگستر شده باشد پایبند باشد و آن را بداند.
- کنشگر مدنی همان کنشگر ارتباطی است. کنشگر مدنی باید که یک کنشگر ارتباطی باشد یعنی بتواند با نهادهای مختلف و جریان‌های مختلف ارتباط برقرار کند.

همچنین هفت مؤلفه برای کنشگران مدنی لازم شمرده می‌شود، که عبارت‌اند از: معاصر بودن؛ چند ساحتی بودن؛ استراتژی داشتن؛ مسئله محور بودن؛ هویت چهل تکه داشتن؛ قانون دان بودن؛ دارای بینش اجتماعی بودن (همان) که در توضیح اقدامات حامیان به این مؤلفه‌ها اشاره خواهیم کرد. حامیان مسئله‌ی محوری کنشگری خود را در وضعیت نامناسب و تعرضات به محیط زیست اکباتان تعریف کرده است و بر اساس ویژگی معاصر بودن، به دور از حسرت تاریخ پرافتخار باستان کشور را خوردن و ناامیدی نسبت به کنش برای تغییر وضع موجود، با نگرش انتقادی نسبت به گذشته، به جغرافیا و به جهان فضای شهری و آنچه که امروز دارد شکل می‌گیرد و در حال رخ دادن است، بپردازد. به سخن دیگر "هم-عصرشدن" با چیزی که الان دارد رخ می‌دهد (همان).

از خرداد ۹۳ حامیان با مد نظر داشتن ویژگی ارتباطی کنشگری مدنی، با کمیته محیط‌زیست شورای شهر ارتباط بسیار فعال و مفیدی برقرار نمود و بنابه درخواست مسئولان آن، توانست جامع‌ترین گزارش تحلیلی از وضعیت شهرک را تهیه و همراه با یک کلیپ و پاورپوینت در اختیار آنان قرار دهد و در برخی نشست‌های آن نیز شرکت نماید. همچنین در تیرماه همان سال، طوماری به خانم ابتکار، معاون محترم رئیس جمهوری و رئیس محترم سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور در اعتراض به تغییر کاربری فضای سبز زمین مابین فازهای ۱ و ۲ و ساخت مگامال با امضای اهالی و مدیریت بلوک‌های شهرک نوشته شد. با رخ دادن آخرین تخلف شهرداری در واگذاری قطعه‌ای از فضای سبز مشاعی شهرک، و آغاز احداث شبانه سازه‌ای موسوم به دارالقرآن (۸ مرداد ۹۳)، تمام همّ و غمّ حامیان بسوی جلوگیری از این کار غیرقانونی به منزله نمادی برای مقاومت در برابر تعرضات مدیریت شهری معطوف شد. در ۲۸ مرداد ۹۳، چندین تن از حامیان به نشانه اعتراض در صحن علنی شورای شهر حاضر شدند و یک تن از آنان در فرصتی در جلسه بانگی بلند برآورد و از ساخت و سازه‌های غیرقانونی در شهرک انتقاد کرد. درست در همان روز، مدیر و برخی از معتمدان یکی از بلوک‌های همجوار سازه در شهرک، مشغول برخورد و جلوگیری از ورود کامیون بتون و تخلیه آن به محل سازه بودند.

پس از شروع ساخت سازه، ابتدا حامیان، همکاری بسیار فعال و اثرگذاری را با هیات مدیره بلوک ۱۹ در اقامه دعوی و احقاق حقوق اهالی در برابر افراد منتسب به سازه آغاز کرد. این اقدام حقوقی منجر به توقف ۵ ماهه طرح مذکور از تاریخ ۹۳/۶/۲۹ شد.

در سوم شهریور ۹۳، حامیان به شورای معماری و شهرسازی کشور، نامه‌ای مبنی بر اعتراض به این واگذاری غیرقانونی نوشت. این نامه در اوایل سال ۹۴ مبنایی شد برای نشست شوریاران جدید اکباتان در مورد سایر تعرضات به محیط‌زیست شهرک با وزیر، معاون معماری و شهرسازی و مدیران ذیربط وزارتخانه راه و شهرسازی و نهایتاً به صدور دستور به بررسی سطح و مقیاس تغییرات انجام شده در اکباتان و انطباق آن با طرح جامع و بررسی‌های حقوقی در خصوص مالکیت و نحوه استفاده از مشاعات در شهرک در ۸ اردیبهشت ۹۴ انجامید که هنوز ادامه دارد.

در زمستان ۹۳ و فرارسیدن زمان انتخابات نهادهای مدیریتی شهرک، حامیان به منظور بهبود ترکیب اعضای آن‌ها فعالانه وارد عمل شد. در دی‌ماه ۹۳ با مطرح شدن برگزاری مجمع هیئت مدیره مرکزی شهرک برای انتخاب اعضاء جدید هفت نفره و سه بازرس و سه داور، حامیان با فعالیت زیاد، یک فهرست ارائه نمود که در نهایت به‌رغم برخی تخلفات و کارشکنی‌ها، توانست سه نفر اصلی و یک بازرس و یک داور را وارد ترکیب جدید هیئت مدیره مرکزی نماید. در بهمن ۹۳ نیز با اعلام انتخابات چهارمین دوره شوریاران شهر تهران، با توجه به ناکارکرد بودن شورا یاری دوره سوم شهرک، حامیان که ماه‌ها در

این زمینه فعالیت مستمر داشت، توانست در انتخابات ۲۲ اسفند، ۶ نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل را وارد ترکیب ۷ نفره اعضای اصلی و ۳ نفره اعضای علی‌البدل نماید.

در ۹۳/۱۱/۲۷، حکم منع تعقیب متشاکیان پرونده سازه برخلاف محتوای گزارش کارشناس رسمی دادگستری صادر شد. تسلیم این حکم به متشاکمی حدود یک ماه قبل تر از تسلیم آن به شاکی (مدیریت بلوک ۱۹) و سوءاستفاده متصرفان از تعطیلات عید برای ادامه احداث غیرقانونی سازه پیش از تعیین نتیجه دادخواست تجدیدنظر، جای تأمل بسیار دارد. بنابراین، از فروردین ماه ۹۳ حامیان درصدد برآمد تا به بسیج اجتماعی در شهرک بپردازد و حضور اهالی را در مسیر پیاده روی بین فاز یک و دو شهرک به نشانه اعتراض شکل دهد. این حضورهای اعتراضی از راه‌های متفاوتی به اطلاع عموم می‌رسید: گروه وایبر، تراکت‌هایی که در پشت درب منازل گذاشته می‌شد و نیز نشستی که با دعوت از ساکنان در یکی از بلوک‌ها برگزار شد. در مجموع اهالی ... بار گردهم آمدند به طوری که یکبار تعداد افراد شرکت کننده به حدود ۸۰۰ نفر رسید و بازتاب گسترده و موثری در سطح شهرک یافت و توجه اعضای شورای شهر را بالاخره به خود جلب کرد. چنانکه سردار طلایی، نماینده شورای شهر، در گفت‌وگو با ایکن‌اظهار کرد: "مشکل دارالقرآن اکباتان را حل خواهیم کرد و شورای شهر قصد رنجش مردم را ندارد." (ایکن‌ا ۸ تیر ۹۴)

از پیامدهای این حضورهای اعتراض‌آمیز و گسترده، شکل‌گیری «گروه وکلاء و حقوق دانان مدافع محیط زیست اکباتان» در اردیبهشت ۹۴ بود که به ویژگی آگاهی از قانون در کنشگری مدنی حامیان کمک کرد. گروه وکلا درگام نخست، در تحلیل حقوقی تخلفات شهرداری در واگذاری فضای سبز مشاعی مذکور در ۹۴/۲/۸ بیانیه‌ای صادر کردند. آن‌ها اقدامات حقوقی بسیار فعال و جدی‌ای را آغاز کردند که به دریافت حکم دیوان عدالت اداری مبنی بر توقف موقت عملیات اجرایی سازه در ۹۴/۴/۱ انجامید. اقدامات حقوقی دیگر، همچنین موجب گشودن دو پرونده کیفری علیه عاملان و مجریان این تخلف در دادسرای ۷ تهران شده است. ناگفته نماند که متصرفان و متخلفان دست به حرکات مذبحانه‌ای در توقف فعالیت‌های خودجوش اهالی اکباتان در جهت احقاق حقوق خود زدند: از توسل به نیروی قهریه گرفته تا گشودن ۴ پرونده علیه سه تن از مدیران فعال و پیگیر مطالبات پایمال شده مردم، استفاده ابزاری از دین در جهت مقاصد خود و تهمت زدن علیه دین به اهالی معترض به ساخت و ساز غیرقانونی در شهرک خود و از عدم تمکین به حکم دیوان عدالت اداری تا تهدیدات جانی و ضرب و شتم عده‌ای از ساکنان معترض به این عدم تمکین در آخرین حضور اعتراضی آرام مقابل سازه. اما حامیان در راستای ویژگی اخلاقی بودن کنشگری مدنی، در پاسخ به این ایجاد تشنج، از هرگونه درگیری خودداری کرد و تلاش کرد تا جو را آرام سازد و مطالبات خود را کاملاً بر اساس اصول اخلاقی و با کمک قانون پیش ببرد. حامیان در مسیر اهداف خود در پی یافتن ساکنانی در شهرک است که در سازمان‌های مربوط به امور در حال پیگیری مرتبط با سازه، دارای مسئولیت هستند و ذی‌نفوذ به حساب می‌آیند تا از طریق ارتباط با آنان بتواند کارهای خود را سریع‌تر پیش ببرد. حامیان تا کنون موفق شده‌اند در سازمان عمران و نوسازی و حتی در سطح معاونت‌های ریاست جمهوری، بنا بر روابط همسایگی و همشهرکی بودن، به مقامات دسترسی پیدا کند.

اهالی همچنان طی تماس با شماره‌های ۱۳۷ و ۱۸۸۸ ادامه ساخت غیرقانونی سازه را با وجود دستور توقف عملیات اجرایی توسط دیوان عدالت اداری، گزارش می‌کنند تا بدین ترتیب نیز بتوانند صدای خود را به شهرداری برسانند. حامیان از آیت الله العظمی صافی گلپایگانی درباره ساختن مسجد یا بنایی مذهبی در مکانی غصبی و با تخریب فضای سبز و محیط‌زیست و نارضایتی صاحبان زمین و همسایگان و مغایر با قوانین کشور استفتا کردند و پاسخ گرفتند که: «چنانچه مراد، ملک شخصی افراد باشد، ساخت مسجد و

یا هر مکان مذهبی دیگر، بدون رضایت صاحب زمین، غصب است.»
از آنجا که قشر ساکن در شهرک، عمدتاً تحصیل کرده‌اند و از نظر فرهنگی در سطحی متوسط به بالا هستند، حامیان بر اساس داشتن بینش اجتماعی که ضرورت مهم کنشگری مدنی است، شرکت در همایش‌ها و سخنرانی‌های گوناگون در حوزه شهری را برای اثرگذاری بیشتر و جلب توجه اهالی و نیز جامعه دانشگاهی مفید یافت. در ۵ خرداد ۹۴ حامیان در نشست با عنوان « نقش مردم در اداره شهر: مورد شهرک اکباتان » که توسط انجمن جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران برگزار شد شرکت کرد. همین‌طور در مراسم کمیون حفاظت از باغات تهران در ۲۸ مرداد ۹۴ شرکت کرد و علاوه بر توزیع برگه‌های عملکرد خود در میان حضار، از نمایندگان شورای شهر درباره مسائل اکباتان سؤال کرد. در ۲۵ مرداد ۹۴ نامه ای سرگشاده خطاب به شهردار تهران درباره مسائل ناشی از اقدامات غیرکارشناسانه و بعضاً غیرقانونی شهرداری در شهرک به ابتکار حامیان نوشته شد که در رسانه‌ها انتشار یافت و با پیگیری حامیان در نشریه ماهانه «شهر ما» که ویژه شهرک اکباتان است، نیز درج شد تا با توزیع ماهنامه درب تمام منازل شهرک، به اطلاع تمام خانواده‌های اکباتانی برسد. غیر از نامه سرگشاده نیز، حامیان از فرصت‌های گوناگون برای ارتباط با رسانه‌ها و طرح مطالبات خود در عرصه عمومی و نیز اطلاع‌رسانی کنش‌های خود بهره می‌برد.
در راستای کنشگری مدنی چند ساحتی، که هم فعالیت در دنیای واقعی و هم دنیای مجازی را مد نظر دارد، حامیان محیط‌زیست اکباتان صفحه‌ای در اینستاگرام و نیز گروهی در فضای مجازی راه‌اندازی کرده است تا ارتباط بهتری با اهالی شهرک برقرار کند. گروه تلگرامی حامیان به فضایی عمومی تبدیل شده است تا اعضا هر مسئله جدیدی در شهرک را اطلاع می‌دهند، و درباره آن بحث می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند تا چه کنش‌هایی درباره آن صورت گیرد. برای مثال در شهریور ۹۴، اعضا خبر دادند که ماموران شهرداری در حال لوله کشی آب از چاه‌های شهرک به سازه هستند. چندین نفر فوراً وارد عمل شدند و با حضور در محل، خبر کردن نیروی انتظامی و صورت جلسه کردن این اقدام، بیل‌ها را از دست کارگران شهرداری گرفتند و با دستان خود و با همان بیل‌ها، زمین کنده شده برای لوله کشی را دوباره پر کردند.

تمامی اقدامات انجام شده حامیان تا کنون به تحکیم روابط اجتماعی همسایگی در شهرک و اعتماد مردم به یکدیگر انجامیده است. همچنانکه در عرصه اقتصادی، کنش عقلانی موجب تقویت سرمایه مالی می‌شود، کنش عقلانی در عرصه اجتماعی نیز سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند. از این رو می‌توان کنشگری حامیان را در عرصه اجتماعی، عقلانی دانست.

در راستای کنشگری ارتباطی، علاوه بر برقراری ارتباط با سازمان‌ها و مقامات مسئول، حامیان در پی یافتن شکل‌هایی است که در حوزه شهری مشغول به فعالیت هستند تا با آن‌ها شبکه‌سازی کند و تا کنون برخی از این شکل‌ها را پیدا کرده و از تجارب آنان استفاده و با آنان همکاری می‌کند و اکنون عضوی از «شورای هماهنگی فعالان شهری در تهران» است.

افزون بر این، حامیان می‌کوشد هر از چند گاهی رویدادی در سطح شهرک برگزار کند تا از این طریق هم بتواند خود را به عده بیشتری از اهالی بشناساند و هم فعالیت‌های فرهنگی-محیط‌زیستی را ترویج کند. برای مثال در اسفند ۹۳ و بهار ۹۴ فراخوان پاکسازی محوطه بلوک‌ها داده شد و هم اکنون نیز قصد بر آن است تا در هفته کودک، رویدادی محلی با موضوع کودک و محیط‌زیست برگزار گردد. حامیان همچنین مشغول سازماندهی نیروهای خود و تقسیم کار در قالب کارگروه‌هایی است که وظایف متفاوت را بر عهده دارند. در این زمینه، عضویت حامیان به روی اقشار گوناگون شهرک از قومیت‌های گوناگون و با هر مذهب

و عقیده‌ای باز است تا هویت چهل تکه و دربرگرفتن تنوع جامعه در مجموعه خود را حفظ کند.
در پایان حامیان در راستای ویژگی استراتژی داشتن کنشگری مدنی، در حال تدوین برنامه‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت خود است.

نتیجه

شهروندان در مواجهه با نحوه برنامه ریزی از بالا به پایین مدیریت شهری و نگاه معطوف به سودآوری آن، در پی حق خود به شهر دست به کنشگری می‌زنند. کنشگری که برای مؤثر بودن باید از ویژگی‌های عقلانی بودن، اخلاقی بودن و ارتباطی بودن برخوردار باشد.

تلاش‌های اخیر در پی حق به شهر از سوی شهروندان، مانند آنچه در شهرک اکباتان شرح داده شد، می‌تواند مقدمه‌ای باشد بر تبدیل این حق به مطالبه‌ای فراگیر در کلان شهرهایی که مانند تهران زیر ضرب اقدامات غیرکارشناسی و منفعت طلبانه مدیریت شهری قرار دارند و گسترش کنشگری مدنی در حوزه مسائل شهری.

در سال ۲۰۰۴ یونسکو و هیئات درباره مقوله حق به شهر منشور مشترکی عرضه کردند و پیشنهاد کردند که این حق به عنوان یکی از اجزاء بیانیه حقوق بشر و به عنوان یک حق اساسی در قانون اساسی کشورهای که قائل به این حقوق هستند، وارد شود. به امید اینکه در کشور ما نیز حق به شهر در قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی ارائه‌شده از طرف دولت، جایگاه مناسب خود را بیابد.

منابع:

- اطهری، کمال. ۱۳۹۰. بررسی آرای هانری لوفور. نشست گروه علمی- تخصصی جامعه‌شناسی شهر انجمن جامعه‌شناسی ایران. ۱۳ اردیبهشت.
- حسام مقدم، اسماعیل. ۱۳۹۴. هفت مؤلفه که کنشگر مدنی باید داشته باشد. انجمن هامون ایران. سخنرانی در کارگاه آموزشی تشکل‌های مدنی دشتستان با موضوع: جامعه مدنی، جایگاه نهاد مدنی. <http://www.hamooniran.com/item/6230>
- خزایی، رحیم، ۱۳۹۱. حقی به زندگی شهری. <http://www.memarnet.com>
- روحی، زهره. ۱۳۹۲. انسان شناسی و فرهنگ. <http://anthropology.ir/article/19023>
- شهرداری تهران، منطقه ۵. ۱۳۹۰. گزارش‌های مربوط به شهرک اکباتان در طرح پژوهشگر محله شهرداری تهران.
- Cnaan, Ram A. 1991. Neighborhood- representing Organizations: How Democratic Are They? The Social Service Review 65 (4): 614-634.
- Scott, W. Richard, and Gerald F. Davis. 2007. Organization and Organizing. New Jersey: Pearson Education.
- تارنمای هیات مدیره مرکزی شهرک اکباتان. <http://www.shahrak-ekbatan.ir/moarefi.html>.